

اصطلاح «حقوق بین الملل» برای نخستین بار توسط جر می بنتام حقوقدان انگلیسی در کتاب خود موسوم به «مقدمه ای بر اصول اخلاق و قانون» ارائه شد.

تعاریف ارائه شده توسط حقوقدانان را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

1- دسته اول معتقدند که حقوق بین الملل تنها حاکم بر «روابط بین دولت ها» است. طرفداران این نظریه تری پل، آنزیلوتی، اوپنهایم و برابری هستند.

2- دسته دوم تنها «افراد» را تابعین حقوق بین الملل دانسته. پیشروان این نظریه عبارتند از لئون دوگی و ژرژ سل

3- دسته سوم تابعین اصلی حقوق بین الملل را «دولت ها» می دانند. طرفداران این نظریه فیور، کلسن، کاواریه و شارل روسو هستند. «این نظریه جامع تر و منطبق با رویه دولتها و رویه قضایی بین المللی است».

### تعریف حقوق بین المللی:

مجموعه اصول و قواعدی است که دولت ها خود را ملزم به رعایت آن می دانند و در روابط با یکدیگر اجرا می کنند و نیز شامل قواعدی است که طرز تشکیل و وظایف سازمانهای بین المللی و روابط این سازمانها را با یکدیگر و با دولت ها و همچنین در بعضی موارد حقوق و تکالیف افراد را تعیین می کند.

کلسن حقوقدان اتریشی حقوق بین المللی را به دو قسمت تقسیم می کند:

#### 1- حقوق بین الملل عام:

عبارت از اصول کلی ناظر بر روابط کلیه اعضای جامعه بین الملل است.

#### 2- حقوق بین الملل خاص:

شامل قواعدی است که صرفاً بین دو یا چند کشور اعمال میشود.

اپنهایم حقوقدان انگلیسی حقوق بین المللی را به سه قسمت تقسیم می کند:

#### 1- حقوق بین الملل جهانی:

شامل قواعدی است که رعایت آن بدون استثنا برای کلیه دولت ها الزامی است مانند منع بردگی و منع کشتار دسته جمعی.

#### 2- حقوق بین الملل عام:

شامل قواعدی است که رعایت آن برای تعداد بسیاری از دولت ها الزامی است.

#### 3- حقوق بین الملل خاص:

شامل قواعدی است که رعایت آن برای دو یا تعداد محدودی از دولتها الزامی است.

خصوصیات جامعه بین الملل را می توان در سه خصیصه خلاصه کرد:

1- جامعه بین المللی جامعه ای است که از لحاظ جغرافیایی واحد و جهانی است.

2- از لحاظ اجتماعی متفاوت و مختلف است.

3- از لحاظ حقوقی مساوی است.

عللی که برای ضعف حقوق بین الملل می توان بر شمرد عبارتند از:

1- جامعه بین المللی تنها جامعه بشری است که عملاً از نهادهای قانونگذاری ، اجرایی و قضایی مناسب محروم است.

2- حقوق بین الملل عمومی با مشکل سازش قواعد بین المللی و قواعد داخلی روبروست.

3- ضعف حقوق بین الملل همچنین ناشی از علل بسیار مهم آن است.

4- ضعف دیگر حقوق بین الملل ناشی از کثرت و تنوع موضوعات مطروحه و تحولات سریع قواعد این رشته است.

### بخش دوم- مبانی حقوق بین الملل:

در دکترین کلاسیک، دو جریان فکری مختلف در ارتباط با اساس و مبانی حقوق بین الملل مطرح شده است:

#### 1- مکتب حقوق وضعی 2- مکتب حقوق موضوعی

الف- مکتب حقوق وضعی یا ارادی:

به اعتقاد پیروان این مکتب، منشأ حقوق را باید در بیان یک اراده جستجو کرد . بر این پایه حقوق بین الملل بر اراده دولت ها استوار است. پیشکسوتان این نظریه، موزر و دومارتنس می باشند.

به عقیده موزر، حقوق بین الملل عبارت از قواعدی است که از رسوم و عادات بین المللی و همچنین رویه دولت ها در مسایل بین المللی سرچشمه گرفته و مبانی آن توافق و تراضی دولت هاست.

دومارتنس معتقد است که منشأ حقوق بین الملل تعهدات بین المللی مبتنی بر اراده دولت هاست که متعاقباً به صورت قواعد عرفی و معاهدات بین المللی تجلی می یابند.

ب- مکتب حقوق موضوعی:

طبق این مکتب، مبانی حقوق بین الملل خارج از اراده بشری و مستقل از اراده دولت هاست.

در مورد غیر ارادی بودن قواعد حقوق بین الملل، نظریات مختلفی ارائه شده است که اهم آنها عبارتند از:

1- مکتب حقوق طبیعی 2- مکتب قاعده گرایی 3- مکتب جامعه شناسی حقوقی

#### 1- مکتب حقوق طبیعی:

مکتب حقوق طبیعی خود دارای دو گرایش است:

الف- مکتب حقوق طبیعی کلاسیک ب- مکتب حقوق طبیعی جدید

الف- مکتب حقوق طبیعی کلاسیک:

به طور کلی مکتب حقوق طبیعی رایج ترین مکتب دوران گذشته به شمار می آید به طوری که بیشتر دانشمندان

یونان و روم معتقد آن بوده، آن را ناشی از فطرت و طبیعت و قواعدش را عام و تغییر ناپذیر می دانستند.

در آغاز علمای مسیحی نظریه حقوق طبیعی را پذیرفته به آن جنبه الهی و آسمانی دادند.

مهمترین طرفداران این نظریه فرانسوا ویتوریا و فرانسیسکو سوارز بوده اند.

فرانسیسکو سوارز بیا این اعتقاد بود که اقتدار دولت ها عملاً به دو وسیله محدود می شود:

#### 1- جامعه بین المللی 2- اخلاق و حقوق

ب- مکتب حقوق طبیعی جدید :

این نظریه مبنای قواعد حقوقی را عقل بشر می داند همانند نظریه پیشین، با این تفاوت که واپس به تغییر پذیری آن قواعد است.

پیروان این نظریه عبارتند از: لونی لوفور، فرانسواژنی و آلبرت دولاپرادل

## 2- مکتب قاعده گرایی :

هانس کلسن، حقوقدان اتریشی بانی نظریه محض حقوق و بنیانگذار مکتب وین، علم حقوق را به طور کلی علم وظیفه می داند و هدف حقوق را تعیین وظایف و تکالیف افراد و اجتماعات می داند. به عقیده وی، ارزش و اعتبار و آمریت هر قاعده بستگی به قاعده بالاتر از خود دارد تا جایی که در رأس کلیه قواعد، یک قاعده اصلی به نام قاعده بنیادین قرار گرفته است.

در نظام حقوقی کلسن قاعده بنیادین اصل وفای به عهد است.

## 3- مکتب جامعه شناسی حقوقی:

با الهام از نظریات جامعه شناسی آگوست کنت و امیل دورکهایم این مکتب تأسیس شد.

از نظریه پردازان مشهور این مکتب می توان حقوقدانان فرانسوی لنون دوگی و ژرژسل را نام برد.

لنون دوگی با تکیه بر اصل همبستگی اجتماعی معتقد است که حقوق اعم از داخلی و بین المللی ناشی از زندگی اجتماعی و ضرر یا سازندگی در جامعه است نه محصول اراده دولت ها.

ژرژسل معتقد است که حقوق مربوط به اجتماع و ناشی از آن است و قواعدش معلول مقتضیات اجتماعی و

همبستگی گروههای مختلف است که این گروهها به وسیله دو اصل مهم بهم مربوط می شوند : 1- اصل همبستگی مبتنی بر تشابه 2- اصل همبستگی مبتنی بر تقسیم کار (عدم تشابه) ، همبستگی مبتنی بر تشابه به موجبات تجانس گروههای مختلف اجتماعی را فراهم می آورد، حال آنکه همبستگی مبتنی بر عدم تشابه موجب همکاری و تعاون بین المللی می شود.

## فصل دوم- رابطه حقوق بین الملل با حقوق داخلی:

اصولاً سه دیدگاه در رابطه حقوق بین الملل با حقوق داخلی مطرح شده است:

### 1- نظریه دوگانگی حقوقی 2- نظریه یگانگی حقوقی 3- نظریه معاصر

نظریه دوگانگی حقوقی مورد قبول مکتب حقوقی ارادی می باشد و از طرفداران این نظریه تریپل، آنزیلوتی و اوپنهایم می باشند.

نظریه یگانگی حقوقی مورد قبول پیروان مکتب حقوق موضوعی می باشد که این نظریه خود به دو گرایش تقسیم

می شود: 1- مونیسیم با رجحان حقوق داخلی 2- مونیسیم با رجحان حقوق بین الملل

بخش اول - نظریات مختلف در مورد رابطه حقوق بین الملل با حقوق داخلی:

### 1- نظریه دوگانگی حقوقی (دوآلیسم):

به موجب این نظریه حقوق بین الملل و حقوق داخلی به دلایلی بسیار دو نظام حقوقی کاملاً متفاوت و مستقل هستند.

پیروان این نظریه قواعد بین المللی را برای دولت های مختلف الزام آور نمی دانند مگر اینکه دولت ها به اختیار آن

قواعد را وارد مقررات داخلی خود سازند.

دلایل طرفداران نظریه دوآلیسم:

الف- از حیث تشکیلات:

جامعه بین الملل فاقد قوای سه گانه مطرح در جامعه داخلی است.

ب- از لحاظ قلمرو قواعد حقوقی:

قواعد حقوق بین الملل در جوامع و کشورهای مختلف قابل اجراست در حالی که قواعد حقوق داخلی محدود به قلمرو یک کشور است.

پ- از حیث مبانی و منابع:

قواعد حقوق داخلی ناشی از اراده یک دولت است در حالی که قواعد بین المللی ناشی از توافق و رضایت دولت هاست، همچنین منابع اصلی حقوق داخلی، قوانین مدون، عرف و عادت مسلم و رایج بین مردم یک کشور است ولی منابع حقوق بین الملل اساساً معاهدات و عرف بین المللی است.

ت- از نقطه نظر تابعین:

تابعین حقوق داخلی افراد می باشند ولی در حقوق بین الملل اساساً دولت ها و سازمانهای بین المللی تابعین حقوقی بین الملل به شمار می آیند.

ث- از لحاظ ضمانت اجرا:

قوانین داخلی ضمانت اجرایی لازم را توسط دستگاههای قضایی و اجرایی کشور کسب کرده اند ولی قوانین بین الملل فاقد ضمانت اجرایی مؤثر می باشد.

ج- از نظر اعتبار:

قوانین داخلی در داخل کشورهای مورد نظر معتبر و قابل اجرا هستند.

2- نظریه یگانگی حقوقی (مونیسیم):

این نظریه با تکیه بر اصل تبعیت قابل به سلسله مراتب حقوقی می باشد.

پیروان نظریه مونیسیم، قودعد حقوق داخلی و بین المللی را با یکدیگر مرتبط دانسته و آنها را دو سیستم مجزا و مستقل نمی دانند.

دلایل پیروان نظریه یگانگی حقوقی باتقدم حقوق بین الملل:

طبق این نظریه، حقوق داخلی تابع حقوق بین الملل است وقواعد آن باید منطبق با قواعد بین الملل باشد.

هانس کلسن رابطه حقوق بین الملل با حقوق داخلی را در جامعه بین المللی با رابطه موجود میان قانون اساسی و قوانین عادی مقایسه می کند.

به اعتقاد پیروان این نظریه، دلایل برتری حقوق بین الملل عبارتند از:

الف- از لحاظ هدف:

حقوق داخلی و بین المللی هر دو عدالت و سعادت بشری را منظور نظر دارند.

ولی از آنجا که قواعد بین المللی تنظیم کننده روابط کلیه اعضای جامعه بین المللی است، منطقی است که قواعد مزبور بتواند بر هر یک از اعضاء نیز حکومت کند لذا همگونی قواعد داخلی با حقوق بین الملل کاملاً ضروری است.

ب- از حیث ارزیابی:

قواعد حقوق داخلی توسط قواعد حقوق بین الملل ارزیابی می شوند.

ج- از لحاظ مسئولیت بین المللی دولتها:

چنانچه قواعد حقوق داخلی بر حقوق بین الملل برتری داشته باشند نمی توان هیچ مسئولیتی برای دولتها بار کرد لذا قواعد حقوق بین الملل بر حقوق داخلی مقدم شناخته می شوند.

د- از نظر تعیین حدود مرزی کشورها:

قواعد حقوق بین الملل مشخص کننده محدوده مرزی می باشند و در این زمینه نمی توان به مقررات داخلی استناد کرد.

دلایل پیروان نظریه یگانگی حقوق داخلی:

حقوقدانان اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیست اصولاً موافق این نظریه بودند زیرا اساس سیاست یک دولت را حقوق ملی آن دانسته، سیاست خارجی را نیز جزئی از سیاست داخلی خود تلقی می کردند.

برتری حقوق داخلی نسبت به حقوق بین الملل را می توان از چند جهت مورد بررسی قرار داد:

الف- از حیث تاریخی:

از این حیث حقوق داخلی بر حق و بین المللی برتری دارد، زیرا ابتدا کشورها به وجود آمده اند و سپس قواعد حقوقی اولیه بین کشورها برقرار گردید.

ب- از حیث خصوصیت و ساختار حقوقی

ج- از نظر منطقی

د- از حیث برتری قانون اساسی بر تعهدات بین المللی

3- نظریه معاصر:

این نظریه مبتنی بر تساوی نظام حقوقی داخلی و حقوقی بین الملل است.

بخش دوم- نقش متقابل حقوق داخلی و حقوق بین الملل :

1- نقش قواعد داخلی در حقوق بین الملل :

تنظیم روابط بین الملل صرفاً توسط قواعد حقوق بین الملل صورت نمی گیرد بلکه در برخی موارد قواعد حقوق داخلی نیز در تنظیم آنها سهم اند. مثلاً اطلاع از مقررات مربوط به انتخاب نمایندگان سیاسی تنها با مطالعه مقررات داخلی دولتها انجام می پذیرد بدین ترتیب، درک و کشف موضع حقوقی دولت ها در مورد موضوعات بین المللی از طریق مطالعه حقوق داخلی آنها میسر خواهد بود.

2- نقش حقوق بین الملل در دادگاههای داخلی :

بررسی نقش حقوق بین الملل در نظام حقوق داخلی کشورها به مراتب مشکلتر است زیرا بررسی آن مستلزم مطالعه حقوق داخلی کشورهای مختلف است تا بتوان با نحوه برخورد آنها با قواعد بین المللی آشنا شد.

### نحوه برخورد انگلستان با قواعد حقوق بین الملل:

در انگلستان در ارتباط با قابلیت تسری قواعد حقوق بین الملل در حقوق داخلی دو نظریه مطرح شده است:  
الف- دکترین تبدیل:

به موجب این نظریه حقوق داخلی و حقوق بین الملل دو نظام کاملاً متمایز می باشند.

از این دیدگاه، قوانین بین المللی زمانی در صحنه داخلی اعتبار می یابند که در اثر استفاده از دستگاه قانونی مناسب مانند تصویب توسط مجلس صریحاً به یک قانون داخلی تبدیل شده باشند.

ب- دکتری تلفیق:

براین پایه استوار است که حقوق بین الملل به خودی خود و ب دون نیاز به تصویب بخشی از حقوق داخلی و جزء لاینفک آن به شمار می آید. این نظریه توسط بلکستون تبیین شد.

### موضع انگلستان نسبت به حقوق بین الملل قرار دادی (معاهدات):

اجرای معاهدات در یک کشور نمی تواند بدون گذراندن تصویب قانونی صورت گیرد، لذا هر چند انعقاد معاهدات به وسیله قوه مجریه انجام می پذیرد ولی تصویب مجلس برای لازم الاجرا شدن آن ضروری است . بدین ترتیب، معاهداتی برای انگلستان لازم الرعایه اند که به تصویب مجلس برسد ولی برخی از معاهدات از این قاعده مستثنی شده اند (در تمامی کشورها) مانند معاهدات مربوط به جنگ.

### نحوه برخورد آمریکا با قواعد حقوق بین الملل:

در ارتباط با موضع آمریکا در مورد معاهدات و موافقت نامه های بین المللی باید بین موافقت نامه های رسمی و موافقت نامه های اجرایی یا ساده قایل به تفکیک بود.

موافقت نامه های اجرایی و ساده بدون نیاز به تصویب قانونی معتبرند، در حالیکه اعتبار موافقت نامه های رسمی مستلزم اقدام تصویب است.

### قسمت دوم - تابعین حقوق بین الملل :

تابع حقوق بین الملل موجودیتی است که به طور مستقیم از حقوق و تکالیف شناخته شده در نظام حقوقی بین المللی برخوردار شده است.

برخورداری از حقوق و تکالیف مستلزم شناخت شخصیت حقوقی برای تابعین حقوق بین الملل است . زیرا بدون برخوردارای از شخصیت حقوقی دولتها و دیگر احزاب قادر به فعالیت نخواهند بود.

در تعیین تابعین حقوق بین الملل دو دیدگاه مطرح شده است:

الف- نظریه کلاسیک :

طبق این نظریه تنها تابعین حقوق بین الملل دولتها بودند . نظریه پردازان کلاسیک با تکیه بر مکتب ارادی و به قیاس از ماهیت حقوق داخلی که حقوق روابط بین افراد بشمار می رود، حقوق بین الملل را منحصرأً حقوق روابط بین دولت ها می پنداشتند.

## ب- مکتب واقع گرایی:

نویسندگان مکتب واقع گرایی مانند ژرژسل، پولیتیس و لئون دوگی اظهار داشتند که تنها تابعین حقوق افراد حقیقی یا اشخاص می باشند.

از آنجا که دولت و کشور مفهومی انتزاعی و مجرد است، آن را نمی توان در زمره تابعین حقوق بین الملل بشمار آورد.

## فصل اول- دولت ها

### بخش اول - تعریف دولت و مشخصات آن

ماده 1 کنوانسیون مونته ویدئو دولت را با مشخصات زیر تعریف می کند: دولت به عنوان تابع حقوقی بین الملل باید دارای شرایط زیر باشد: 1- جمعیت دائمی 2- سرزمین معین 3- حکومت 3- حاکمیت (توانایی برقراری روابط با سایر کشورها)

#### 1) جمعیت دائمی:

نکته: نخستین عنصر دولت و هر جامعه بشری، جمعیت است.

جمعیت به گروهی از افراد که با پیوند سیاسی و حقوقی که تابعیت نام دارد و آنها را در چها رچوب یک کشور متحد می کند اطلاق می شود.

افراد تشکیل دهنده یک جمعیت الزاماً نباید دارای نژاد، زبان و مذهب واحد باشند.

تعلق به دولتها به واسطه پیوند تابعیت و به طرق گوناگون امکان پذیر است:

1- از طریق خون

2- از طریق خاک

3- از طریق ازدواج

4- از طریق فرزند خواندگی

5- از طریق کسب تابعیت

#### 2) سرزمین معین :

دومین عنصر تشکیل دهنده دولت سرزمین است . توسعه مفهوم سرزمین باعث می شود که دو مفهوم فضا و خاک از لحاظ حقوقی مخلوط شوند و از لحاظ سیاسی نیز، گسترش مفهوم سرزمین می تواند باعث توسعه طلبی دولت ها شود.

نکته: به اعتقاد حقوقدانان فرانسوی دلبر، سرزمین عامل مادی و اساسی تشکیل دولت محسوب میگردد.

عمدتاً چهار نظریه درباره ارتباط دولت با سرزمین ارائه شده که عبارتند از:

الف- نظریه سرزمین در حکم عنصر تشکیل دهنده کشور

- طبق این نظریه، سرزمین عامل اصلی تشکیل یک دولت است.

این نظریه بیشتر از سوی متخصصان جغرافیایی سیاسی مطرح شده است.

از پیروان این نظریه می توان یلینک، اریک کوفمن، فون لیست و ملبرگ را نام برد.

**ب- نظریه سرزمین در حکم موضوع:**

به موجب این نظریه سرزمین موضع قدرت کشور به شمار می آید.

این نظریه خود به دو گرایش تقسیم می شود:

گرایش اول بر این اصل تکیه دارد که سرزمین در مالکیت دولت است و آن را باید در حکم مال خصوصی خود تلقی نماید.

گرایش دوم، سرزمین را قلمرو حاکمیت دولت و قدرت سیاسی می داند (این نظریه توسط لاباند ارائه شده است)

**ج- نظریه سرزمین در حکم حدود مرزی :**

طبق این نظریه، سرزمین حدود مادی اقدامات و چهارچوبی برای اعمال قدرت سیاسی است.

به عبارت دیگر سرزمین فضایی است که در آن محدوده دولت صلاحیت خود را اعمال می کند و به همین جهت، استروپ این نظریه را نظریه فضا نامیده است.

**د- نظریه صلاحیت :**

به موجب این نظریه، سرزمین قلمرویی است که قواعد حقوقی در آنجا اعمال می شود . در واقع سرزمین قلمرو اعمال صلاحیت و محل اعتبار نظام حقوقی دولت است.

این نظریه از سایر نظریات کاملتر است و حقوقدانانی چون کلسن ، هنریش و بورکن از آن پیروی می کنند.

امتیازات این نظریه در این است که :

اولاً : قدرت سیاسی دولت را محدود به صلاحیتهایی مشخص می داند و قایل به حاکمیت مطلق دولتی نیست .

ثانیاً : با تعمیم صلاحیت های دولت از مرز جغرافیایی، خود را با واقعیت های حقوقی منطبق می سازد.

**3- حکومت:**

سومین عنصر تشکیل دهنده دولت حکومت است.

در ارتباط با دولتهای دو موضوع مطرح می گردد: 1- اقتدار و سلطه واقعی 2- مشروعیت 4- اهلیت برقراری روابط با سایر دولت ها (اصل حاکمیت)

عناصر سه گانه (جمعیت، سرزمین، حکومت) تازمانی در تشکیل دولتها مؤثرند که عنصر چهارم یعنی حاکمیت دولتهائیز رعایت شود.

نکته : برجسته ترین ویژگی یک دولت حاکمیت یا استقلال آن است .

طبق اعلامیه اصول حقوق بین الملل، برابری مبتنی بر حاکمیت از عوامل زیر تشکیل یافته است:

الف- دولتها از نظر حقوقی برابرند.

ب- کلیه دولتها از حقوق ذاتی حاکمیت برخوردارند.

ج- تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت تعرض ناپذیر است.

د- هر دولت حق دارد که آزادانه نظام های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خود را انتخاب کرده، توسعه دهد.

ه- هر دولت وظیفه دارد که به طور کامل و با صداقت تعهدات بین المللی خود را مورد رعایت قرار دهد و با دیگر دولتها در صلح زندگی کند.



نکته: به طور کلی مفهوم حاکمیت به مجموعه اختیاراتی اطلاق می شود که دولت ها در قلمرو داخلی خود نسبت به اشخاص و اموال اعمال می کنند.

### بخش دوم- پیدایش و تبدیل دولت در حقوق بین الملل :

در گذشته دولتها به دنبال جنگها و منازعات و متعاقب تغییر و تحولات سرزمین که منجر به اکتساب سرزمین می شد، پدید می آمدند.

#### 1- اکتساب سرزمین:

اکتساب سرزمین به اشکال مختلف زیر منجر به پیدایش دولت ها شده است:

1- اشغال و تصرف سرزمین

2- مالکیت ناشی از تصرف بلامعارض

3- تسلیم یا واگذاری سرزمین

4- تسخیر و استیلا

5- کاهش یا افزایش سرزمین به موجب تغییرات جغرافیایی

6- انتسابی سرزمین از طریق داوری و قضاوت

7- سکوت حاکمی از رضایت، شناسایی و عدم امکان انکار پس از اقرار

8- حقوق قانونی نسبت به اکتساب نسبی سرزمین

- اشغال و تصرف سرزمین:

تصرف سرزمین در واقع اکتساب اراضی بلاصاحب است.

سرزمینی که به هیچ دولتی تعلق نداشته یا توسط حاکمیت قبلی رها شده بودند می توانستند موضوع تصرف سایر دولتها واقع شوند، که این تصرف مشروط به شرایطی است:

شرط اول: تصرف باید از سوی دولت و نه از سوی افراد خصوصی باشد.

شرط دوم: تصرف باید مؤثر باشد یعنی باید به خوبی تحت کنترل دولت تصرف کننده در آید (حاکمیت نسبی)

شرط سوم: تصرف باید مبتنی بر قصد حاکمیت بر سرزمین باشد.

طبق عهد نامه برلن برای تصرف اجتماع دو شرط ضروری است:

1- لزوم اشغال مادی، به طوری که کشور متصرف قدرت مؤثر خود را جهت برقراری نظم و امنیت اعمال کند.

2- لزوم اعلان رسمی، به نحوی که سایر دولت ها از حدود دقیق سرزمین تصرف شده آگاهی یابند.

مالکیت ناشی از تصرف بلامعارض:

این شیوه عبارت است از احراز حق مالکیت به طور قانونی و مشروع به سرزمینی است که بلاصاحب نی ست .

نکته: تفاوت اساسی بین تصرف و مالکیت ناشی از تصرف بلامعارض در این است که در مورد اخیر سرزمین مورد

نظر تحت حاکمیت یک دولت است، حال آنکه در مورد اول، تصرف نسبت به سرزمین های بلاصاحب صورت می گیرد.

نکته: شرط اساسی مالکیت ناشی از تصرف بلامعارض، توافق ضمنی یا صریح حاکمیت قبلی با وضع جدید است. تسلیم یا واگذاری سرزمین:

واگذاری عبارت از انتقال مسالمت آمیز سرزمین دولتی به دولت دیگر است که اصولاً به صورت موافقت نامه صورت می گیرد.

طبق قانون زمین چنانچه حقوق معینی برای یک دولت ثالث در سرزمین تصرف شده مانند حق عبور از آن سرزمین در نظر گرفته شده باشد حاکمیت جدید باید آن حقوق را محترم شمارد. در این قانون بار تعهدات همراه با زمین است نه با مالک آن.

نکته: شرط اساسی برای واگذاری سرزمین، وجود قصد و نیت طرف های زیربط در انتقال سرزمین است.

سکوت حاکمی از رضایت، شناسایی و عدم امکان انکار پس از اقرار:

سکوت رضایت آمیز در واقع عدم اعتراض به واقعه ای است که در آن اعتراض ضروری می نماید.

سکوتی که مراد است بر شناسایی وضعیت جدید می کند، در واقع تأیید تلویحی یک حالت واقعی مشخص و خاص است.

ممنوعیت انکار پس از اقرار، عبارت از عدم امکان تغییر موضع خود پس از پذیرش و وضعیت جدید است.

اکتساب نسبی سرزمین:

حقوق قانونی دیگری که برای دولت ها در ارتباط با اکتساب نسبی سرزمین می توان شناخت عبارتند از:

الف- مالکیت مشاع یا مشترک:

عبارتست از تعلق یک سرزمین به دو دولت به طوری که آن دولتها سرزمین مزبور را مشترکاً اداره کنند.

ب- اجاره:

در واقع انتقال موقتی حاکمیت یک سرزمین از یک دولت به دولت دیگر است که دولت اجاره دهنده می تواند حاکمیت اولیه خود را پس از انقضای مدت اجاره باز یابد.

ج- حق ارتفاق یا حقوق غیر مالکانه:

این حق زمانی ایجاد می شود که سرزمین یک کشور تحت تضيیقات خاص در خدمت منافع دولت دیگر در آمده باشد. مانند حق استفاده از بنادر، رودخانه ها یا حق عبور از آن.

نکته: از جمله مواردی که حق ارتفاق به نفع جامعه بین المللی در نظر گرفته شده است عهدنامه قسطنطنیه میباشد.

بخش سوم- شناسایی دولت ها و حکومت ها:

مفهوم شناسایی در دو حالت مطرح می شود:

1- ایجاد دولت جدید

2- تشکیل حکومت جدید

معمولاً حکومت های جدید به دنبال انقلاب ها و حوادث سیاسی به روی کار می آیند.

اما ایجاد دولت جدید معمولاً از پیوند چند دولت و یا تقسیم یک دولت به چند دولت جدید می باشد.

### 1- شناسایی دولت ها:

دولتهای جدید واحدهای سیاسی مستقلی هستند که به تازگی در جامع ه بین المللی ظاهر شده اند که عامترین شکل آن در گذشته از طریق حرکتهای آزادی بخش ملی در روند استعمار زدایی بوده است و نیز ممکن است تشکیل دولتهای جدید متعاقب توافق قدرتهای بزرگ بوده باشد.

### شرایط شناسایی دولتها:

شرایط شناسایی دولتهای جدید عبارتند از:

#### استقلال، ثبات داخلی، قلمرو مشخص

– تشخیص استقلال دولت جدید باید بر اساس تحقق واقعیتها صورت گیرد لذا اگر دولتی خواهان جدا شدن از دولت اصلی و الحاق به دولت دیگر باشد دولت جدید قابل شناسایی نیست.

### ماهیت شناسایی دولتها:

اصولاً دو نظریه در ارتباط با ماهیت شناسایی دولتها مطرح شده است:

#### الف- نظریه ایجاد یا تأسیسی:

طبق این نظریه عمل شناسایی دولتها به منزله اعطای شخصیت بین المللی به دولت جدید التاسیس است.

طبق این نظریه شناسایی سایر دولتها شرط لازم برای ایجاد دولت است (به رسمیت شناختن)

این نظریه اساساً از سوی پیروان مکتب های ارادی همچون آنزیلوتی، اینهایم و تزی پل مطرح شده است.

#### ب- نظریه اعلامی:

طبق این نظریه شناسایی به تنهایی موجد دولت جدید نیست بلکه دولت ها در اثر یک فرآیند تاریخی و اجتماعی و

در اثر تلاشهای یک ملت به وجود می آیند و نیازی به شناسایی از سوی دولتهای دیگر ندارد.

از پیروان این نظریه می توان به ژرژسل، کاواره و پی یه اشاره کرد.

نظریه اعلامی بر اساس اندیشه برتری دولت ها و ضعف ذاتی جامعه بین المللی شکل گرفته است، حال آنکه نظریه

ایجاد اراده اعضای جامعه بین الملل را اصل می داند.

#### دکترین لوتو پاخت:

از جمله تلاشهایی که جهت تعدیل نظریات ایجاد و اعلامی به گونه ای که با واقعیات بین المللی هماهنگ باشد

صورت گرفته دکترین لوتر پاخت است.

به اعتقاد لوتر پاخت، چنانچه شرایط مقرر در حقوق بین الملل برای احراز وضعیت یک دولت محقق شود، دولتهای

موجود وظیفه دارند به علت عدم یک مرجع مرکزی بین المللی جهت اعطای شخصیت حقوقی، آن دولت را به

رسمیت بشناسند.

محدودیت دولتها در شناسایی یا عدم شناسایی کشورهای جدید عبارتند از :

منع شناسایی زودرس، منع استرداد شناسایی، منع شناسایی دولتهای ایجا شده به واسطه زور و منع شناسایی به دستور سازمان ملل متحد.

#### الف- شناسایی زودرس:

اگر جامعه ای پیش از احراز شرایط لازم به عنوان کشور مورد شناسایی قرار گیرد عمل شناسایی زودرس صورت گرفته است.

#### ب- استرداد شناسایی:

استرداد یا پس گیری شناسایی از دولت شناسایی شده پیشین است.

استرداد شناسایی طبعاً قطع روابط سیاسی را به دنبال خواهد داشت ولی قطع روابط سیاسی را نباید به منزله استرداد شناسایی تلقی کرد.

#### چگونگی شناسایی دولت ها:

شناسایی دولتها معمولاً به صورت صریح و ضمنی صورت می گیرد.

#### الف- شناسایی صریح (فردی و جمعی):

شناسایی صریح فردی در واقع اعلان رسمی شناسایی به طریقی اسناد رسمی از سوی هر یک از دولتهاست . شناسایی صریح جمعی نیز اعلان شناسایی دسته جمعی دولت ها ضمن یک سند رسمی است.

#### ب- شناسایی ضمنی (فردی و جمعی) :

شناسایی ضمنی فردی معمولاً با برقراری روابط دیپلماتیک و کنسولی صورت می گیرد . مثل صدور روانامه کنسولی به نماینده یک دولت.

شناسایی ضمنی جمعی توسط تعدادی از دولتها به شیوه های مختلف مانند عضویت در یک سازمان بین المللی و الحاق به یک معاهده بین المللی انجام می پذیرد.

#### 2- شناسایی حکومت ها:

معمولاً تغییر در ترکیب یا شکل حکومت ارتباطی با دولت ندارد زیرا این تغییرات بر شخصیت بین المللی دولت تأثیر نمی گذارد و روابط آن دولت را با دولتهای دیگر دچار تغییر نمی کند.

#### شرایط شناسایی حکومت ها:

1- مشروعیت منشأ پیدایش حکومت جدید در ارتباط با حقوق اساسی کشور

2- شیوه تغییر و تحول انقلابی

3- تمایل حکومت جدید در انجام تعهدات بین المللی خود

4- مؤثر بودن یا واقعی بودن قدرت حکومت

نکته: تعهد حکومت جدید به مقررات بین المللی یکی از عوامل مؤثر و ترغیب کننده برای شناسایی آن حکومت

دولتهای جدید از حیث دعاوی، دولت های مطهر یا فاقد تعهد به شمار می آیند و مسئولیتی از بابت دعاوی دولت پیشین به آنها منتقل نمی شود.

5- تابعیت: در تعیین تابعیت ساکنان دولت جدید قاعده کلی آن است که تابعیت همراه با حاکمیت تغییر کند و بدین لحاظ دولت جدید موظف به انتشار قواعد مؤثری برای افراد متولد در آن سرزمین و یا ساکنان آن و یا افراد متولد شده در خارج، از والدین اتباع دولت پیشین است.

### فصل دوم - سازمان های بین المللی :

پس از دولت ها، سازمانهای بین المللی عمده ترین تابعین حقوق بین الملل به شمار می آیند.

سازمانهای بین المللی به تجمعی از دولت ها اطلاق می شود که بر اساس یک سند تأسیس (معاهده) تشکیل می شود و اعضای آن اهداف مشترکی را دنبال می کنند.

سازمان های بین المللی را می توان از جهات عدیده ای طبقه بندی کرد:

#### 1- از نظر هدف:

سازمانهای نظامی، سازمان های اقتصادی، سازمان های آموزشی - تربیتی

#### 2- از نظر نحوه کار:

سازمانهای تصمیم گیرنده (سازمان ملل متحد) سازمان عمل کننده

#### 3- از نظر وسعت اقتدار:

سازمانهای جهانی، سازمان های منطقه ای

#### 4- از نظر نوع اعضا:

سازمان های بین المللی دولتی، سازمان های بین المللی غیر دولتی

#### بخش اول- سازمان های بین المللی دولتی:

سازمان های بین المللی دولتی به سه دسته تقسیم می شوند:

1- سازمان های بین الدولی جهانی

2- سازمانهای بین الدولی منطقه ای

3- سازمانهای بین الدولی فرامنطقه ای

#### 1) سازمانهای بین الدولی جهانی:

سازمانهایی هستند که به منظور در بر گرفتن کلیه کشورهای جهان به وجود آمده اند که خود به دو دسته تقسیم می

شوند: سازمانهای وابسته به سازمان ملل متحد و سازمانهای غیر وابسته به سازمان ملل متحد

- دو سازمان بین الدولی جهانی که در قرن اخیر پا به عرصه وجود گذاشته اند عبارتند از : جامعه ملل و سازمان ملل متحد .

نکته: اعلامیه بین المتحدین را می توان نقطه عطفی در پیدایش و تشکیل سازمان ملل به شمار آورد.

اهداف و اصول سازمان ملل متحد:

اهداف سازمان ملل متحد عبارتند از :

1- حفظ صلح و امنیت بین المللی

- 2- توسعه روابط دوستانه میان ملتها
  - 3- همکاری بین المللی در حل مسایل بین المللی
  - 4- وجود مرکزی برای هماهنگی اقدامات ملتها برای نیل به اهداف مشترک
- اصول سازمان ملل متحد عبارتند از:

- 1- اصل برابری کلیه اعضا
- 2- اصل حسن نیت در انجام تعهدات
- 3- اصل حل اختلافات بین المللی به طرق مسالمت آمیز
- 4- اصل عدم تهدید و توسل به زور
- 5- اصل حمایت کشورهای عضو از اقدامات سازمان
- 6- اصل مراقبت سازمان بر کشورهای غیر عضو
- 7- اصل عدم مداخله در اموری که ذاتاً در صلاحیت ملی کشورهاست.

ارکان اصلی سازمان ملل متحد عبارتند از:

- 1- شورای امنیت
  - 2- مجمع عمومی
  - 3- شورای اقتصادی – اجتماعی
  - 4- شورای قیمومت
  - 5- دبیرخانه
  - 6- دیوان بین المللی دادگستری
- شورای امنیت:

رکن اصلی سازمان ملل متحد به شمار می آید، لذا مسئولیت اساسی حفظ صلح و امنیت بین المللی برعهده این شورا می باشد.

این شورا دارای پنج عضو دائم (آمریکا، انگلستان، چین، شوروی، فرانسه) می باشد. شورای امنیت دارای وظایف و اختیاراتی مشترکی با مجمع عمومی است که عبارتند از : پذیرش عضو جدید، و تعلیق عضویت اعضا، تعیین دبیر کل، انتخاب قضات دیوان بین المللی دادگستری و... شورای امنیت دارای 4 کمیته فرعی است : کمیته ستاد نظامی، کمیسیون خلع سلاح، کمیته کارشناسان و کمیته پذیرش اعضای جدید

نکته: دادن رأی منفی توسط اعضای دائمی شورا در زمان اخذ تصمیمات در شورای امنیت را وتو گویند. مجمع عمومی:

مرکب از کلیه اعضای ملل متحد بوده که هر یک دارای یک رأی و حداقل پنج نماینده در مجمع می باشد.

کمیته های اصلی مجمع عمومی عبارتند از:

- 1- کمیته ویژه سیاسی (برخی مسایل سیاسی)

2- کمیته اول (مسائل سیاسی و امنیتی از جمله تعدیل تسلیحات)

3- کمیته دوم (مسائل اقتصادی و مالی)

4- کمیته سوم (موضوعات اجتماعی، انسانی و فرهنگی)

5- کمیته چهارم (موضوعات مربوط به قیمومت) توسط سایر دولت‌ها خواهد بود.

چگونگی شناسایی حکومت‌ها:

در خصوص شناسایی حکومت روش خاصی وجود ندارد، کشوری که مایل به شناسایی حکومت جدید است تصمیم خود را رسماً از طریق دیپلماسی به حکومت جدید اعلام می‌دارد.

نکته: شناسایی دولت‌ها بدون شناسایی حکومت آنها عملاً قطع روابط دیپلماتیک را به دنبال دارد.

نظریه توبار (دکترین مشروعیت):

به موجب این نظریه مادامی که حکومت جدید شکل قانونی خود را نیافته است و براساس یک قانون اساسی حکومت نمی‌کند نباید مورد شناسایی قرار گیرد.

نظریه بنتاکور:

طبق این نظریه، دولت‌ها نباید حکومت‌های به قدرت رسیده از طریق توسل به زور را شناسایی کنند.

نظریه استرادا:

این نظریه توسط استرادا وزیر امور خارجه مکزیک ابراز شده این نظریه اصولاً شناسایی دولت‌ها را ضروری ندانسته، حتی آن را تقبیح می‌کند زیرا شناسایی را مغایر اصل حاکمیت دولت‌ها و مداخله در امور داخلی آنها می‌داند.

3- انواع شناسایی:

شناسایی دولت‌ها و حکومت‌ها به دو شکل صورت می‌گیرد:

الف- شناسایی دو ژوره یا قانونی:

این شناسایی زمانی صورت می‌گیرد که دولت شناساننده وضعیت دولت مورد شناسایی را از هر حیث قانونی دانسته و واجد شرایط دولت بودن می‌داند.

ب- شناسایی دو فاکتو یا عملی:

این شناسایی در مورد دولت‌ها یا حکومت‌هایی که شرایط قانونی آنها مورد تودید است انجام می‌پذیرد. شناسایی دو فاکتو صرفاً وجود شکلی دولت یا حکومت جدید را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

تفکیک شناسایی دو ژوره و شناسایی دو فاکتو معمولاً به صورت زیر انجام می‌گیرد:

الف- تفکیک بر اساس درجه کنترل مؤثر دولت جدید بر قلمرو و مردم خود بر این اساس، دولت‌ها و حکومت‌هایی که در مورد قابلیت دوام و استمرار آنها تردید وجود دارد به طور دو فاکتو شناسایی می‌شوند، حال آنکه دولت‌هایی که کنترل مؤثر خود را در سرزمین خود اعمال می‌کنند و وابستگی قانونی به یک قدرت خارجی ندارند به طور دو ژوره شناسایی می‌شوند.

ب- تفکیک بر اساس درجه التزام نسبت به مقررات حقوق بین الملل

## بخش چهارم- جانشینی دولت ها

### 1- جانشینی معاهدات:

از توصیف دولت های جدید به عنوان کشورهای مطهر یا فاقد تعهد چنین افاده می شود که دولت جانشین ملزم به اجرای معاهدات و موافقت نامه های منعقد شده توسط دولت پیشین نیست و در حقیقت صرفاً ملزم به رعایت تعهداتی است که خود واجد آن بوده است.

معاهداتی که مبتنی بر حق وق بین المللی عرفی بوده و برای تمامی دولتها لازم الاجرا است به دو طریق قابل تشخیص اند. 1- هنگامی که معاهده به عنوان شهادی بر وجود قواعد حقوق عرفی پذیرفته شده است. 2- هنگامی که پس از گذشت مدتی مقررات معاهده به عنوان قواعد عرفی تلقی شوند.

انواع معاهدات و درجه تعهدات دولت جانشین نسبت به آنها را می توان به قرار زیر بر شمرد:

1- به طور کلی معاهدات سیاسی به دلیل اینکه تحت شرایط خاصی منعقد می شوند قابل انتقال نیستند.

2- معاهدات قانونی یا در حکم قانون به لحاظ اینکه در راستای منافع جامعه بین المللی منعقد شده اند، لازم الرعایه اند.

3- معاهداتی که در ارتباط با تمامیت ارضی و امور سرزمینی یک کشور است، به جهت تضمین منافع اختصاصی سرزمین مزبور، به قوت قانونی خود باقی است، مانند معاهدات مربوط به تنگه ها و رودخانه های بین المللی.

### 2- دارایی ها و بدهی های دولت :

هرگاه دولتی جانشین دولت دیگر شود اموال عمومی دولت پیشین به دولت جدید انتقال می یابد و در مورد مسئولیت دولت جدید در قبال بدهی های دولت سلف به نظر می رسد که تا حدود زیادی به شرایط زمان و موارد ایجاد بدهی بستگی داشته باشد.

در مورد اموال دولت در خارج از کشور، اگر دولت جدید مورد شناسایی دو زوره قرار گیرد، در آن صورت می تواند اموال مورد نظر را به داخل انتقال دهد، اما اگر شناسایی دو فاکتو باشد، انتقال اموال میسر نخواهد بود.

### 3- اموال خصوصی:

حدود اختیارات دولت جانشین در تصرف و مصادره اموال خصوصی به طور کلی بستگی به تابعیت صاحبان اموال دارد. چنانچه صاحبان اموال دارای تابعیت دولت جانشین باشند، دولت مزبور با اختیاراتی که حقوق بین الملل عرفی به او تفویض کرده، اقدام می کند، ولی چنانچه صاحبان اموال تبعه دولت پیشین و یا دولت ثالث باشند، دولت جانشین ملزم به رعایت حداقل استانداردهای بین المللی در ارتباط با نحوه رفتار با بیگانگان است.

### 4- دعاوی بین المللی

6- کمیته پنجم (امور اداری و بودجه ای)

7- کمیته ششم (امور حقوقی)

نکته: کمیته عمومی مسئول سازمان دادن اجلاس سالانه مجمع عمومی است.

شورای اقتصادی و اجتماعی:

این شورا مرکب از 54 عضو ملل متحد است که توسط مجمع عمومی انتخاب می شوند.



مسئولیت این شورا سازمان دادن فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد می باشد.

کمیسیون‌های شورا عبارتند از: کمیسیون آمار، کمیسیون جمعیت، کمیسیون توسعه اجتماعی، کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون مقام زن، کمیسیون مواد مخدر.

دیوان بین المللی دادگستری:

رکن قضایی اصلی ملل متحد است و اساسنامه آن جزو لاینفک منشور است.

کلیه اعضای ملل متحد به خودی خود از جمله قبول کنندگان اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری به شمار می آیند.

دیوان دارای دو نوع صلاحیت است:

1- صلاحیت مشورتی 2- صلاحیت توافقی

دبیرخانه:

رکن اداری سازمان ملل متحد است و از یک دبیر کل و تعدادی کارمند تشکیل می شوند.

مهمترین وظایف دبیر کل عبارتند از:

1- انجام وظیفه به عنوان عالی ترین مقام اداری سازمان 2- حضور و انجام وظیفه به عنوان دبیر کل در کلیه جلسات مجمع 3- تهیه گزارش سالانه درباره کارهای سازمان ملل

2- سازمان های بین الدولی منطقه ای:

این سازمانها را می توان در سه گروه طبقه بند کرد:

1- سازمان اروپایی و منطقه آتلانتیک

2- سازمانهای آمریکایی

3- سازمان های آسیایی و آفریقایی سازمانهای اروپایی و منطقه آتلانتیک

عمده ترین این سازمانها عبارتند از:

الف- سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از جمله اعضای این سازمان می توان به آمریکا، کانادا، انگلیس، فرانسه، بلژیک، هلند و... اشاره کرد.

ب- شورای اروپا هدف اصلی از تشکیل این شورا، گسترش همکاری ه ای سیاسی بین کشورهای اروپایی بوده است.

ج- اتحادیه اروپا: این اتحادیه برای گسترش هر چه بیشتر همکاریهای اقتصادی و اجتماعی بین کشورهای عضو تشکیل شد.

محور اصلی این اتحادیه وحدت اروپا است که خود متضمن اهداف زیر است: وحدت سیاسی، وحدت دفاعی، وحدت در سیاست خارجی، وحدت مالی و وحدت سرزمینی

– اعضای این سازمان عبارتند از: آلمان، فرانسه، ایتالیا، انگلستان، هلند، بلژیک، پرتغال و ...

سازمان های آمریکایی:

از جمله این سازمان ها می توان به سازمان کشورهای آمریکایی تأسیس شد که اعضای آن شامل کلیه کشورهای قاره آمریکا می شود.

سازمان کشورهای آمریکای مرکزی شامل کشورهای السالوادور، کاستاریکا، گواتمالا، نیکاراگوئه و هندوراس میباشد.  
سازمان های آسیایی و آفریقایی :

عمده ترین این سازمانها عبارتند از: اتحادیه عرب، سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، شورای همکاری خلیج فارس اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی، اتحادیه جنوب آسیا برای همکاری، سازمان همکاری اقتصادی آسیا.  
نکته: سازمان کنفرانس اسلامی جزء سازمانهای بین الدولی فرا منطقه ای می باشد.

### بخش دوم- سازمانهای بین المللی غیر دولتی

به موجب قطعنامه شورای اقتصادی و همکاری، هر سازمان بین المللی که در نتیجه انعقاد قرار داد بین دولتها ایجاد نشود سازمان بین المللی غیر دولتی محسوب می شود.

این سازمانها به دو دسته تقسیم می شوند: 1- سازمانهای بین المللی غیر دولتی غیر انتفاعی 2- سازمانهای بین المللی غیر دولتی انتفاعی

از جمله سازمانهای بین المللی غیر دولتی غیر انتفاعی عبارتند از: کمیته بین المللی صلیب سرخ، اتحادیه بین المللی سرطان، انجمن بین المللی حقوقدانان، اتحادیه بین المجالس و ...

نکته: منظور از سازمانهای بین المللی غیر دولتی انتفاعی شرکت های چند ملیتی است که فعالیت تجاری و بازرگانی وسیعی در سطح جهان انجام می دهند.

### فصل سوم- افراد

#### بخش اول- حمایت فرد در حقوق بین المللی

افراد به دو شکل مورد حمایت حقوق بین الملل قرار گرفته اند:

- 1- به شکل عام از طریق حقوق بین الملل بشر دوستانه
  - 2- به شکل خاص از طریق تدوین مقررات اختصاصی برای طبقات مختلف افراد
- 1) حقوق بین الملل بشر دوستانه:

ریشه های حقوق بین الملل بشر دوستانه عبارتند از:

- الف- حقوق بین الملل بشر دوستانه و کنوانسیون های لاهه
- ب- حقوق بین الملل بشر دوستانه بین دو جنگ جهانی
- ج- حقوق بین الملل بشر دوستانه پس از جنگ دوم جهانی

– کمیته ژنو در نیمه دوم قرن نوزدهم هجری دنوان بنیان شد که بعدها به کمیته بین المللی صلیب سرخ تبدیل شد .

کنوانسیون های ژنو 1949 عبارتند از:

- 1- کنوانسیون اول ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران قوای نظامی در حال جنگ
- 2- کنوانسیون دوم ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحین، بیماران و غرق شدگان قوای نظامی در دریاها
- 3- کنوانسیون سوم ژنو راجع به رفتار با اسرای جنگی
- 4- کنوانسیون چهارم ژنو راجع به حمایت از افراد غیر نظامی در جنگ

– پروتکل های الحاقی اول و دوم کنوانسیون های ژنو 1949 مربوط به موارد زیر است:

1- حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین المللی

2- حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیر بین المللی

– در حقوق بین الملل بشر دوستانه مخاصمات به دو دسته تقسیم می شوند:

1- مخاصمه مسلحانه بین المللی

2- مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی

– آندره دوران انواع مخاصمات را با توجه به ماهیت آنها و نیز اقداماتی که صلیب سرخ جهانی در ارتباط با آنها

انجام می دهد به پنج دسته تقسیم می کند:

1- مخاصمه مسلحانه بین المللی

2- مخاصمه غیر بین المللی بین المللی شده

3- مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی

4- هرج و مرج داخلی مسلحانه

5- هرج و مرج داخلی غیر مسلحانه

نکته: مهمترین اقدام بین المللی در جهت حمایت از حقوق بشر، تهیه و تنظیم اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است.

## (2) حمایت از طبقات مختلف افراد:

حمایت از کارگران :

با ارج نهادن به ارزش واقعی کارگران در صحنه های مختلف و نقش آنها در بدست آوردن پیروزی در جنگ جهانی

اول سازمان بین المللی کار به وسیله متفقین پیروز تأسیس گردید.

از جمله کنوانسیون های تصویب شده در این سازمان عبارتند از:

1- کنوانسیون انجام و حمایت از حق تشکیل سازمان

2- کنوانسیون اجر متساوی

3- کنوانسیون الغای کار اجباری

4- کنوانسیون تبعیض

5- کنوانسیون ایمنی و بهداشت شغلی

نکته: عهد نامه 1856 پاریس نخستین موافقت نامه ای است که صراحتاً تبعیض نژادی و مذهبی را منع می کند .

مهمترین اسنادی که توسط مجمع عمومی در ارتباط با گروه های مختلف افرادی تصویب رسیده عبارتند از:

1- کنوانسیون منع قاچاق افراد

2- کنوانسیون حقوقی سیاسی زنان

3- بیانیه حقوق کودک

4- بیانیه حقوق عقب افتادگان ذهنی

5- بیانیه حقوق افراد از کار افتاده و ...

### بخش دوم - مسئولیت کیفری فرد در حقوق بین الملل

1- جنایات بین المللی و انواع آن هر گونه تخلف از تعهدات بین المللی جنایت محسوب نمی شود.

مصادیق جنایات بین المللی از دیدگاه کنوانسیون های ژنو عبارتند از : قتل عمد، شکنجه یا رفتار غیر انسانی،

آزمایشهای بیولوژیک، جابجایی افراد، حبس غیر قانونی، گروگانگیری و ...

طبق آیین نامه دادگاه بین المللی نورنبرگ، رفتار جنایتکارانه به سه نوع تقسیم می شوند:

الف- جنایت علیه صلح:

که عبارتست از رهبری، آماده سازی، آغاز یا ادامه یک جنگ تجاوزکارانه، جنگ متعارض با معاهدات و موافقت

نامه های بین المللی، مشارکت در یک طرح منسجم و یا یک توطئه برای انجام هر یک از اعمال فوق الذکر.

ب- جنایات جنگی:

که مربوط به نقض قوانین و عرف جنگی است مانند: سوء قصد، رفتار ناشایست یا جابجایی افراد غیر نظامی باری

مزدوری یا هر هدف دیگر، سوء قصد و رفتار خشونت آمیز با اسرای جنگی یا افراد در دریا و ...

ج- جنایات علیه بشریت:

کشتار دسته جمعی، به کار گرفتن انسانها به عنوان برده، هواپیما ربایی و اختلال در امر هواپیمایی در زمره

جنایات علیه بشریت محسوب می شوند.

### فصل چهارم - سایر تابعین حقوق بین الملل

از جمله موجودیتهای دیگری که از تابعین حقوق بین الملل می باشند عبا رتند از : دولت های با وضعیت خاص،

مردم، نهضت های آزادی بخش ملی، حکومتها در تبعید و پناهندگان

بخش اول- دولتهای با وضعیت خاص

1- کشورهای تحت الحمایه :

تحت الحمایگی ، نظامی است مبتنی بر قرار داد بین دو دولت که بر اساس آن دولتهای طرف قرار داد اجرای

صلاحیت های مربوط به اداره امور را به طور غیر عمدی بین خود تقسیم می کنند.

دولت تحت الحمایه اصولاً صلاحیت های برون مرزی خود را از دست می دهد و دولت خاصی مسئولیت و نمایندگی

بین المللی آن کشور را به عهده می گیرد مانند نظام تحت الحمایگی انگلستان بر مصر.

نکته: منظور از کلندومینیون، نظامی است که به موجب آن یک کشور تحت کنترل دو یا چند دولت دیگر قرار می

گیرد.

2- دولت های دارای اشکال خاص :

سریر مقدس و واتیکان :

در دوران معاصر دو قانون، نظام حاکم بر سریر مقدس یا وایتکان را تعیین کردند:

الف- قانون تضمینات: این قانون قلمرو پاپ را دولت نمی شناسد اما برخی حقوق سیاسی و دیپلماتیک را به آن اعطا کرده است.

ب- معاهدات لاتران: این معاهده به وضعیتی که منجر به قطع روابط بین سریر مقدس و ایتالیا شده بود خاتمه داد. از حیث تاریخی، کشورهای لیختنشتاین، موناکو و سان مارینو را می توان جزء دولتهای خاص قرار داد.

### بخش دوم- مردم

حق تعیین سرنوشت فقط شامل سه گروه از ملتهاست:

1- ملت‌های تحت سلطه استعماری

2- ملت‌های تحت سلطه بیگانه

3- ملت‌های تحت سلطه یک رژیم نژاد پرست.

### بخش سوم- نهضت‌های آزادی بخش

نهضت‌های آزادی بخش به نمایندگی از طرف مردم خود به دفاع از حقوق آنان می پردازند. نهضت‌های آزادی بخش می توانند از حقوق زیر برخوردار باشند:

1- امکان شرکت در ارکان مختلف سازمان ملل متحد به عنوان ناظر

2- امکان شرکت در کنفرانس‌های تدوین قواعد حقوق بین الملل به عنوان ناظر

3- برخورداری از حمایت سازمان ملل در جهت رعایت حقوق نهضت‌های آزادی بخش در کشورهای خود

4- برخورداری از تضمینات حقوق جنگ در مخاصمات مسلحانه

### قسمت سوم- منابع حقوق بین الملل

دو سند بین المللی که منابع شکلی حقوق بین الملل را معین می سازند عبارتند از:

1- موافقت نامه لاهه

2- اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری

- دیوان که وظیفه آن تصمیم گیری در مورد اختلافات ارجاع شده به آن است باید موارد زیر را اعمال کند:

1- معاهدات بین المللی اعم از عام یا خاص

2- عرف بین المللی

3- تصمیمات قضایی و نظرات برجسته ترین حقوقدانان بین المللی

### فصل اول- عرف بین المللی

#### بخش اول - تعریف عرف بین المللی

عرف قاعده ای است که به دنبال تکرار رفتارهای یکسان شکل گرفته و ایجاد التزام کرده باشد (حقوق غیر مکتوب)

به گفته شارل دو میشر در روابط بین الملل عرف زمانی شکل می گیرد که رویه و عملکرد با شمول یکسان و همه

جانبه خود به اندازه کافی ریشه دوانیده باشد به طوری که در آن رویه ثبات منافع موجود مشهود باشد و چون عنصری از نظم حقوقی، مورد پذیرش عموم کشورها قرار گرفته باشد.

### بخش دوم- شرایط وجودی عرف بین الملل

موجودیت عرف وابسته به دو عنصر اساسی است:

1- عنصر معنوی یا روانی

2- عنصر مادی

نکته: عرف قابل استناد عرفی است که برای یک طرف حق و برای طرف دیگر تکلیف ایجاد کند.

تکرار اعمال مادی برای ایجاد عرف کافی نیست، اعمال و رفتار هر دولت باید گردن نهادن به قاعده حقوقی را نیز به دنبال داشته باشد (بیانگر عنصر روانی)

عنصر مادی عبارت از تکرار مستمر و ثبات اعمال مشابه توسط تابعین حقوق بین الملل در مدت زمان خاصی است این اعمال که از عادات اجتماعی سرچشمه می گیرند بر اثر تکرار ایجاد سابقه می کنند.

عوامل دخیل در تشکیل عنصر مادی عبارتند از:

1- شرط موت

2- تعدد رفتارها

3- عدم تساوی ارزش رفتارها

#### 1) شرط مدت :

در شکل گیری عرف از حیث زمان باید عناصر زیر را در نظر داشت:

الف- برای شکل گیری قواعد عرفی سپری شدن مدت زمانی لازم است که این مدت زمان می تواند کوتاه باشد به شرط اینکه رویه و عملکرد دولتها متداوی و عملاً همشکل بوده باشد.

ب- شرط تعدد سوابق نباید در مفهوم محدود تعبیر شود. شرط تعدد سوابق بستگی به نوع رویه و عملکرد دارد.

ج- شرط اساسی تشکیل عرف، متحدالشکل بودن رویه ها و عملکردهاست.

د- در نظر گرفتن سوابق تمامی دولت ها ضروری نیست و برای اثبات وجود قواعد عرفی جهان شمول کافی است که سوابق از لحاظ جغرافیای پراکنده باشند.

#### 2) تعدد رفتارها:

انواع رفتارهای مؤثر در شکل دهی قواعد عرفی عبارتند از:

الف- رفتارهای فعال مولد آثار حقوقی سریع و آنی

ب- رفتارهای کاملاً انفعالی که در برخی شرایط بیانگر پذیرش وجود قاعده حقوقی است.

ج- رفتاری که حکایت از اجماع دولت ها در مورد یک قاعده عرفی کند.

3- عدم تساوی ارزش رفتارها

- الف- ارزش بعضی رفتارها ناشی از اهمیت و معرف بودن دولتی است که منشاء به وجود آمدن قاعده عرفی شده .  
 ب- ارزش برخی رفتارها به دلیل پذیرش آن به عنوان یک قاعده عرفی توسط بخش عظیمی از جامعه بین المللی است.

نکته: پذیرش بوخی از قواعد عرفی از طریق تدوین آنها در قالب معاهدات بین المللی صورت می گیرد (معاهدات قانون ساز)

### بخش سوم- انواع عرف

از حیث دامنه شمول، قواعد عرفی به دو دسته تقسیم می شوند:

#### 1- عرف جهانی 2- عرف منطقه ای

– عرف های منطقه ای بر اساس نظریه خاص گرایی منطقه ای شکل یافته و تابع همان مقررات عرف جهانی می باشند با این تفاوت که دامنه شمول آنها از لحاظ جغرافیایی محدود تر است.

### فصل دوم- معاهدات بین المللی

#### بخش اول- تعریف معاهده بین المللی و خصوصیات آن

- معاهده عبارت از یک توافق بین دولتها است که به صورت کتبی منعقد شده ، مشمول حقوق بین الملل باشد . صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد. در تعریف معاهده، پروفیسور شارل روسو بیان می دارد : معاهده بین المللی به هر اسمی که خوانده شود عبارت از قراردادی است بین تابعین حقوق بین الملل که به منظور تولید بعضی آثار حقوقی منعقد میشود. پروفیسور مک نر معاهده را عبارت از : یک توافق کتبی می داند که به وسیله آن دو یا چند دولت یا سازمان های بین المللی رابطه ای را بین خود در قلمرو حقوق بین الملل ایجاد میکنند یا در صدد ایجاد آن هستند.

#### 1- تعریف معاهده بین المللی:

معاهده بین المللی به معنای وسیع:

به آن دسته از معاملاتی اطلاق می شود که میان اعضای جامعه بین المللی منعقد شده باشد.

معاهداتی که یکی از اطراف آن از تابعین حقوق بین الملل نباشد معاهده بین المللی تلقی نخواهد شد مانند : معاهدات منعقد با اقوام غیر متمدن، سند ازدواج اعضای خانواده های سلطنتی، موافقت نامه منعقد بین دولت ها و اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی بیگانه، موافقت نامه های منعقد بین اشخاص حقیقی یا حقوقی بیگانه. برخی معاهدات علیرغم اینکه میان دو دولت منعقد نشده است معاهده بین المللی ی خوانده می شوند مانند : معاهدات منعقد میان کشورهای مشترک المنافع انگلیس، معاهدات م منعقد بین دولت و ایتکان و سایر دولتها موافقت نامه های منعقد بین سازمانها و کشورها

- معاهده بین المللی به معنای محدود:

به آیین ترتیب انعقاد معاهده گفته می شود (نیروی معاهده سازی)

#### 2- خصوصیات معاهدات بین المللی:

- معاهده بین المللی تابع اجتماع خصوصیات و شرایط زیر است:

الف- معاهده بین المللی حاصل توافق اراده هاست.

ب- معاهده بین المللی سندی است که ایجاد تکلیف می کند.

هر توافق بین المللی رانمی توان معاهده بین المللی دانست مگر در صورت ایجاد تکلیف حقوقی.

پ- معاهده بین المللی صرفاً ناشی از اراده تابعین حقوق بین الملل (دولتها) است.

ت- معاهده بین المللی تابع مقررات حقوق بین الملل است.

ث- معاهده بین المللی به صورت کتبی تنظیم می شود (یکی از شروط اساسی)

ج- معاهده بین المللی می تواند عناوین مختلفی داشته باشد.

3- واژه شناسی معاهدات :

عهدنامه :

عبارتست از توافقی که به صورت کتبی بین دولتها منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل باشد خواه در سند یا در چند سند مرتبط باهم منعکس شده باشد.

منشور :

منشور به عنوان سند تأسیس یک سازمان بین المللی، حاوی اصول، اهداف، اختیارات و نحوه فعالیت آن سازمان است و نیز در بردارنده اصول و موازینی است که چندین کشور در نظر دارند در روابط بین المللی خود رعایت نمایند. مانند منشور آتلانتیک

کنوانسیون :

معمولاً برای اسناد مهم همه جانبه که در بر دارنده قواعد بنی ادین بین المللی اند به کار می روند و در مواردی نیز این عنوان بر معاهدات دو جانبه بین کشورها اطلاق می شود.

پیمان :

سندی است که معمولاً کشورها در زمینه حفظ صلح و همکاریهای نظامی و دفاعی منعقد میکنند مثل پیمان صلح پاریس موسوم به پیمان بویان کلوگ

موافقت نامه :

این واژه معمولاً برای اسناد دو جانبه کشورها که توسط قوه مجریه در زمینه های مختلف منعقد می شود، اطلاق می شود. مانند موافقت های تجاری و بازرگانی کشورها

پروتکل :

معمولاً در چهار معنا بکار می رود : 1- پروتکل به سند انضمامی به یک معاهده اطلاق می شود که غالباً برای تکمیل، تفسیر و یا اصلاح یک معاهده بکار می رود . 2- در مواقعی منظور از پروتکل صورتجلسه کنفرانسی است که نمایندگان کشورها موافقت خود را با آن اعلام می کنند . 3- سند امضای یک معاهده را گاه پروتکل امضا هم می نامند. 4- در مواردی نیز به سند (صورتجلسه) مبادله یک معاهده نیز پروتکل مبادله می گویند.



## [VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR](http://VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR)

### دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin\_news@live.com

نکته: اطلاق پروتکل به موافقت های مستقل خلاف عرف نامگذاری اسناد بین المللی است.

اعلامیه:

در واقع سندی است که معمولاً اصول حقوقی یک یا چند کشور در آن منعکس است.

سند:

واژه ای است که برای بیان قواعد حقوقی در رابطه با یک کنوانسیون به کار می رود.

سند نهایی:

یک بیانیه رسمی یا خلاصه مذاکرات کنگره یا مجلسی است که در آن معاهداتی که مورد مذاکره قرار گرفته نام برده شده و یا به اختصار تشریح شده است و امضای سند برای قبولی تعهدات آن کافی نیست.

سند عمومی:

به اسنادی اطلاق می شود که علاوه بر نام بردن تعداد معاهدات مورد مذاکره در کنفرانس، خود نیز به صورت یک معاهده در می آید به نحوی که هر یک از معاهداتی که در خود دارد جزئی از آن را تشکیل می دهند مانند سند عمومی کنفرانس برلن.

صلح نامه یا مصالحه نامه:

این نوع سند به منظور ارجاع اختلاف به مراجع قضایی یا داوری منعقد می شود.

اساسنامه:

این واژه عموماً برای معرفی سند تأسیس سازمانهای بین المللی به کار می رود مانند اساسنامه یونسکو

قرار موقت:

به اسنادی که برای مدت زمان کوتاهی و یا به طور موقت ایجاد تعهد می کنند گویند.

طرح یا برنامه:

همکاری کشورها در زمینه توسعه اقتصادی یا محیط زیست و ... معمولاً در چهارچوب سندی که طرح یا برنامه نامیده می شود صورت می گیرد.

یادداشت تفاهم:

این نوع سند بیانگر توافق مقامات اجرایی در کشور در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی و ... است.

4- وجوه افتراق بین معاهده و موافقت نامه :

وجوه افتراق بین معاهده و موافقت نامه شامل موارد زیر است:

الف- تفاوت از حیث اطراف سند:

معاهده الزاماً و منحصرأً بین دولتها منعقد می شود، در حالی که موافقت نامه مقید به چنین شرطی نیست.  
ب- تفاوت از حیث موضوع:

موضوع معاهدات بین المللی معمولاً به قواعد بنیادین جامعه بین الملل مربوط می شود در حالی که موافقت نامه ها در ارتباط با مسایل سیاسی، تجاری و ... بین دو یا چند کشور منعقد می گردد.  
پ- تفاوت از حیث تشریفات انعقاد:

برای لازم الاجرا شدن معاهدات امضای مقامات قوه مجریه کفایت نمی کند لیکن امضاء به تنهایی باعث لازم الاجرا شدن موافقت نامه می شود.  
پ- تفاوت از حیث شکل سند:

معاهده الزاماً به صورت کتبی تنظیم و منعقد می شود ولی موافقت نامه ها الزاماً از شرط کتابت تبعیت نمی کند  
موافقت نامه های شفاهی:

به سندی گفته می شود که متعاقب مذاکرات شفاهی نمایندگان دو یا چند کشور تهیه و تدوین شده باشد.  
موافقت نامه های نزاکتی:

بیانگر توافق شفاهی مقامات دو کشور است که رعایت آن برای طرفین چندان الزام آور نیست.  
ت- تفاوت از حیث نحوه تنظیم سند:

تنظیم موافقت نامه غالباً به صورت سند واحد تدوین می شوند ولی تنظیم معاهدات دارای ترتیبات و مراحل است  
4- طبقه بندی معاهدات:

معاهدات را می توان بر دو اساس طبقه بندی کرد:

1- طبقه بندی ماهوی 2- طبقه بندی صوری

- طبقه بندی ماهوی معاهدات:

از نظر ماهوی معاهدات به دو دسته تقسیم می شوند:

1- معاهده - قانون 2- معاهده - قرارداد

الف- معاهده - قانون:

اینگونه معاهدات مربوط به روابط بنیادین دولتها در سطح جهانی بوده، در حکم قانون بین المللی مورد رعایت همه دولت ها می باشند. خصیصه این نوع.

موضوع و مضمون معاهده - قانون عبارت از اعلام حق و بیان قاعده حقوقی است که به طور عینی صحیح و معتبر است.

خصیصه این نوع معاهده این است که برخلاف معاهده - قانون، محتوی و مضمون آن، از نظر کشورهای عاقد یکی است. اینگونه معاهدات را معمولاً معاهدات عام گویند.

ب- معاهده - قرارداد:

یک عمل حقوقی است که برای عاقدین آن متقابلاً در انجام یا عدم انجام کاری تعهد ایجاد می کند.

اینگونه معاهدات روابط اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره دو یا چند کشور را تنظیم می کند. قرار داد را می توان معاهدات خاص به شمار می آورد.

### طبقه بندی صوری معاهدات:

از نظر شکلی و صوری، معاهدات را به معاهدات دو جانبه، چند جانبه و همه جانبه تقسیم می کند. معاهدات چند جانبه خود به دو دسته تقسیم می شوند:

الف- معاهدات بسته در این معاهدات، تعداد اعضا محدود به اعضای اصلی و اولیه است.

ب- معاهدات باز: معاهداتی هستند که هر یک از کشورها، علاوه بر کشورهای اولیه، می توانند به آنها ملحق شوند.

### بخش دوم - آیین و تشریفات انعقاد معاهدات

لفظ انعقاد به مفهوم وسیع آن در بر گیرنده تشریفات مذاکرات مقامات صلاحیتدار، نگارش و امضا، تصویب و الحاق، مبادله اسناد و بالاخره ثبت و انتشار اسناد است.

لفظ انعقاد در مفهوم محدود خود بیانگر مرحله نهایی تدوین یک موافقت نامه و به عبارت دیگر اعلام توافق طرفین معاهده برای پذیرش تعهدات مندرج در موافقت نامه است.

#### 1- مذاکرات مقامات صلاحیتدار:

مذاکره مرحله مقدماتی انعقاد معاهده است که طی آن نمایندگان با در میان گذاشتن دیدگاهها و پس از حصول توافق، اقدام به نگارش متن معاهده می کنند و از طرفی مذاکره شامل انشا و تحریر معاهده نیز می شود و محدود به گفتگوهای طرفین نمی شود.

مذاکرات تنها توسط مقامات ذیصلاح و تام الاختیار انجام می گیرد که دارای مجوز اختیار نامه هستند.

اشخاص زیر به سبب مشاغل خود نماینده دولت خود محسوب و نیازی به ارائه اختیار نام ندارند:

الف- رؤسای دولت ها، رؤسای حکومت ها و وزرای امور خارجه

ب- رؤسای هیأت های دیپلماتیک

ج- نمایندگان که دولت ها به کنفرانسها یا یکی از ارگانهای بین المللی معرفی کرده باشند.

چنانچه معاهده از طرف مقام غیر صلاحیتدار انجام گیرد اثر حقوقی ندارد مگر آنکه متعاقباً به وسیله آن کشور مورد تأیید قرار گیرد.

نکته: امروزه قوه مجریه مرجع صالحی است که اختیار نامه صادر می کند.

نکته: ارائه اختیار نامه عموماً در معاهدات چند جانبه صورت می گیرد و در معاهدات ساده و اجرایی (دو جانبه) ارائه نمی شوند.

#### 2- نگارش:

در نگارش معاهدات دو چیز حایز اهمیت است: نام گذاری معاهده و انتخاب واژه ها

انتخاب زبان معاهده بستگی به طرفین یا اطراف مذاکره دارد که اگر زبان مذاکره کنندگان یکی باشد موضوع منتفی

ولی در مذاکرات چند جانبه معمولاً چند زبان انتخاب و بر اساس آنها معاهده تنظیم می گردد.

## 3- امضا و پاراف :

برای رسمیت بخشیدن به معاهده نمایندگان تام الاختیار دولت ها متن را امضا می کنند که خود به سه شیوه می باشد:

الف- امضای عادی:

توسط کسانی که اختیار امضای قطعی را دارند صورت می گیرد.

ب- امضای همزمان با کسب تکلیف:

این امضا غیر قطعی و مشروط است و باید به تأیید مقامات ذیصلاح نماینده مربوط برسد.

پ- پاراف یا امضای معوق:

پاراف یک مرحله قبل از امضای قطعی به شمار می آید و آن زمانی صورت می گیرد که نماینده یک دولت دارای اختیار امضا نیست و یا در مورد برخی مفاد معاهده دارای تردید است.

## 4- رضایت به التزام در قبال یک معاهده:

موافق نامه ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف - موافقت نامه های ساده یا اجرایی 2- موافقت نامه های رسمی

موافقت نامه های اجرایی اسنادی هستند که بدون انجام تشریفات پیچیده، توسط دستگاه اجرایی دولت به شکل ساده تنظیم و منعقد می شوند و دارای همان اعتبار موافقت نامه های رسمی اند.

موافقت نامه های اجرایی دارای خصوصیات زیر هستند:

1- قطعیت و رسمیت یافتن فوری

2- غالباً اسناد حقوقی این نوع موافقت نامه ها متعدد است.

3- موافقت نامه ساده تنها از دو مرحله (مذاکره و امضا) می گذرد ولی موافقت نامه رسمی از سه مرحله می گذرد .

4- موافقت نامه ساده بدو تصویب قوه مقننه الزام آور است ولی موافقت نامه رسمی پس از تصویب

ب - موافقت نامه های رسمی :

در این موافقت نامه ها اعلان رضایت به التزام نمی تواند ناشی از امضا باشد بلکه باید عمل تصویب نیز صورت گیرد.

نکته: تصویب عموماً زمانی صورت می گیرد که قبل از آن یک دولتی معاهده ای را امضاء کرده باشد.

## 5- مسأله اهلیت برای انعقاد معاهدات:

کنوانسیون وین 1969 تنها دولتها را دارای اهلیت بین المللی برای انعقاد معاهدات می داند.

تابعین حقوق بین الملل که دارای اهلیت برای انعقاد قرارداد می باشند عبارتند از:

الف- دولت ها

ب- سایر تابعین حقوق بین الملل با شکل خاص که عبارتند از: دولتهای در تبعید، شورشیان یا متخصصان شناسایی

شده از سوی یک یا چند کشور، نهضت های آزادی بخش ملی و ...

پ- حکومت های عضو در یک کشور فدرال

ت - سامان های بین المللی

بخش سوم - حق شرط یا تحریر تعهد

1. مفهوم حق شرط

دولتها در برابر معاهدات می توانند سه نوع موضع مختلف داشته باشند:

الف- عضویت غیر مشروط:

در این حالت دولتها معاهده را بدون هیچ قید و شرطی پذیرفته و در آن عضو می شوند.

ب- امتناع از عضویت:

در این حالت دولتها به دلیل اینکه برخی از مقررات معاهده مخالف منافع و مواضع آنهاست از عضویت در معاهده به طور کلی خودداری می کنند.

پ- عضویت مشروط:

در این حالت دولتها با استفاده از حق شرط به یک معاهده می پیوندند.

طبق عهد نامه وین حق شرط عبارتست از: بیانیه یک جانبه ای که یک دولت تحت هر نام یا هر عبارت در موقع امضا، تصویب و پذیرش یک معاهده صادر می کند و یا به وسیله آن قصد خود را دایر بر عدم مشمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهده نسبت به خود بیان می دارد.

منظور از حق شرط، به اعتقاد حقوقدان مشهور انگلیسی مک نر، مستثنی کردن یک یا چند ماده کنوانسیون و یا تغییر آثار حقوقی یک یا چند ماده نسبت به دولت شرط کننده می باشد.

ماهیت حقوقی حق شرط:

حق شرط زمانی ایجاد می شود که یک اعلامیه یک جانبه از سوی دولت شرط کننده صادر شود و سپس یک یا چند طرف دیگر معاهده آن را به طور ضمنی یا صریح بپذیرد.

فرق بین حق شرط و قید شرط:

قید شرط، شروطی است که در حین مذاکره در متن نهایی معاهده گنجانده می شود در حالی که حق شرط، شروطی است که هنگام امضا، تصویب، الحاق، تأیید یا پذیرش از سوی برخی از اعضا به سایرین اعلام می شود.

2- نظام حقوقی حق شرط:

طی قرن اخیر نظام حقوقی حق شرط متحول شده به دو نظام سنتی و معاصر تقسیم می شود.

الف- نظام سنتی (پذیرش به اتفاق آرا):

در آن نظام، حق شرط در صورتی قابل قبول بود که تمام امضا کنندگان معاهده با آن موافق بودند.

ب- نظام حقوقی معاصر در مورد حق شرط:

به موجب این قاعده، دولت شرط کننده می تواند طرف یک معاهده باشد مشروط به اینکه آن حق شرط با موضوع و هدف معاهده مطابقت داشته باشد. البته هر دولتی می تواند با اعتراض به شروط دولت شرکت کننده آن شروط را نپذیرد.

3- شرایط پذیرش حق شرط:

برای پذیرفته شدن حق شرط در معاهدات بین المللی شرایطی لازم است که آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

#### 1. شرایط شکلی 2. شرایط ماهوی شرایط شکلی:

نکته: مهمترین شرط شکلی پذیرش حق شرط این است که حق شرط باید کتباً به اطلاع دولت های طرف معاهده و یا کلیه دولت هایی که امکان الحاق به آن را دارند، برسد.

مدت اعتراض به حق شرط طبق کنوانسیون وین 12 ماه پس از تاریخ آگاهی یا اعلام رضایت می باشد.

طبق ماده 19 کنوانسیون وین، یک دولت هنگام امضاء، تصویب یا پذیرش یک معاهده می تواند تعهد خود را نسبت به آن معاهده محدود کند مگر اینکه:

الف- معاهده حق شرط را محدود کرده باشد.

ب- معاهده مقرر کرده باشد که حق شرط فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست مجاز است و نه

ج- وقتی که حق شرط با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد.

#### 4- زمان اعلام حق شرط:

حق شرط می تواند در موقع امضاء، تصویب، پذیرش، تأیید به الحاق به معاهده طرح شود.

حق شرط هنگام امضاء:

استفاده از حق شرط موقع امضاء بهترین موقع است و مشکلات ناشی از آن هم کم است.

الحاق یا پیوستن به عهد نامه عبارت از یک عمل حقوقی است که به وسیله آن کشوری که در تهیه یک معاهده شرکت نداشته خود را تحت سلطه مقدرات آن قرار دارد و تعهداتی که سایر کشورها به عهد گرفته اند به وی منتقل شوند.

#### 5- حق شرط در انواع معاهدات

الف- حق شرط در معاهدات دو جانبه:

این معاهده چون ماهیت طرفینی دارد و بین حقوق و تکالیف متعاهدین نوعی تعادل و هماهنگی موجود است، ظاهراً قید و شرط خلاف طبیعت این نوع معاهدات است.

ب- حق شرط در معاهدات چند جانبه:

این معاهدات از حیث استفاده از قاعده حق شرط انعطاف پذیرتر از معاهدات دو جانبه هستند و برخی معاهدات چند جانبه چنین حقی را برای طرف های عضو قایل شده اند.

پ- حق شرط در معاهدات همه جانبه:

حق شرط در معاهدات همه جانبه مطرح می شود زیرا هدف از تنظیم بسیاری معاهدات همه جانبه تدوین مقررات واحد و یکنواخت بین المللی است و برای نیل به این هدف ضروری است کشورهای بیشتری به یک معاهده ملحق شوند و لذا باید شروط و قیود و تکالیف مندرج در عهد نامه را بپذیرند.

ت - حق شرط در سازمانهای بین المللی:

در این موارد طبق کنوانسیون وین، حق شرط منوط به قبول ارگان صلاحیتدار آن سازمان است، مگر ای نکته معاهده ترتیب دیگری مقرر کرده باشد.

## 6- آثار حقوقی حق شرط:

الف- آثار حقوقی پذیرش حق شرط:

طبق بند الف قسمت 4 ماده 20 کنوانسیون وین، قبول حق شرط یک دولت به وسیله دولت متعاقد دیگر موجب می شود که آن دولت در صورت یا از زمان لازم الاجرا شدن معاهده نسبت به آنها در مقابل یکدیگر طرف معاهده محسوب شوند و پذیرش حق شرط از سوی حداقل یک دولت متعاقد، اثر قانونی خواهد داشت.

ب- آثار حقوقی مخالفت با حق شرط:

طبق بند 3 ماده 21 عهد نامه وین، اگر دولتی که با حق شرط مخالفت کرده، با لازم الاجرا شدن معاهده بین خود و دولتی که به حق شرط اقدام کرده مخالفت نکند تنها آن قسمت و به همان میزان از مقررات معاهده که موضوع حق شرط واقع شده، بین آنها اعمال خواهد شد.

پ- آثار حقوقی انصراف از حق شرط و از مخالفت آن:

بجز در مواردی که معاهده نحوه دیگری مقرر کند می توان در هر زمان حق شرط و یا مخالفت با حق شرط را مسترد داشت مشروط به اینکه به آن دولت دیگر ابلاغ شده باشد.

## 7- شناخت اعلامیه تفسیری و تمییز آن با حق شرط :

الف- تعریف اعلامیه تفسیری:

دولت ضمن پذیرش معاهده ای، برداشت و استنباط خود را از بعضی مواد به طریق اعلامیه ای اعلام می کنند که ب این اعلامیه، اعلامیه تفسیری گویند.

هدف اصلی از صدور این اعلامیه احترام از تفسیرهای احتمالی مواردی است که مغایر با روح و مقصود اصلی و مواضع قبلی و یا ناهماهنگ با قوانین و مقررات ملی و داخلی آن دولت است.

ب- انواع اعلامیه های تفسیری:

1- اعلامیه تفسیری صرف:

بیانیه ای است که قصدش تفسیر محض است.

2- اعلامیه تفسیری مقید:

بیانیه ای است که یک دولت، الحاق یا تصویب یک معاهده را به قبول تفسیر خاصی از کل معاهده یا بخشی از آن، توسط سایر دولت ها ی متعاقد منوط می کند.

پ- تفاوت حق شرط با اعلامیه تفسیری:

1- حق شرط در کلیه معاهدات قابل اعمال نیست ولی ممکن است اعلامیه تفسیری نسبت به آن معاهدات مجاز شناخته شود.

2- اعلامیه تفسیری یک عمل یک جانبه بدون اثر و اعتبار متقابل است، در صورتی که حق شرط اگر از سوی یک دولت هم مورد پذیرش قرار گیرد میان آن دولت و دولت واضع حق شرط رابطه قرار دادی در همان حدود حق شرط برقرار می کند.

3- اعلامیه تفسیری در بسیاری از موارد خط مشی و مواضع یک دولت را مشخص می کند و معمولاً دارای خصیصه سیاسی است در صورتی که حق شرط جهت تحریر یا تعدیل مفاد معاهده که خصیصه حقوقی دارد استفاده می شود و در صدد تغییر مضمون مقررات معاهده نسبت به دولت شرط کننده است.

### بخش چهارم- اجرای معاهدات

#### اول - اجرای معاهده در مکان:

طبق ماده 29 عهدنامه وین، به استثنای مواردی که خود معاهده، یا از طرق دیگر، قصد دیگری استنباط شود معاهده برای هر طرف در تمامی قلمرو وی تعهد آور است. برخی مفاد معاهدات نه تنها در مورد طرف های معاهده نافذ است بلکه آثار حقوقی آن به کشورهای ثالث نیز توسعه می یابد.

#### الف- انتفاع کشور ثالث از معاهدات:

کشور ثالث می تواند به دو شکل از معاهدات بین المللی منتفع شود:

1- به محض انعقاد معاهده مانند معاهدات مربوط به راههای ارتباطی

2- براساس مقررات موضوعه قبلی (اثر اقتصادی، اثر سیاسی)

#### دولت کامله الوداد:

قیدی است که بر حسب آن، دو کشور متعهد می شوند یکدیگر را از منافع بیشتر و مساعدتری که قبلاً درباره کشور ثالث قایل شده اند و یا از منافع بیشتری که بعداً درباره کشور ثالث قایل خواهند شد برخوردار سازند.

#### اصل تعهد به نفع ثالث:

در واقع شناسایی حقوق قراردادی از سوی کشورهای عضو یک معاهده به نفع کشور ثالث است.

ب- معاهداتی که برای کشور ثالث لازم الرعایه است.

هرگاه طرف های یک معاهده حق عینی یا حق وضعی خاصی را که عینیت خارجی دارند، برقرار سازند آن معاهده برای کشور ثالث لازم الاتباع است مثل معاهدات بی طرفی و یا معاهدات مربوط به سرحدات.

نکته: از جمله معاهدات مهمی که دولت های ثالث موظف به رعایت اصول آن هستند منشور ملل متحد است.

#### دوم - اجرای معاهده در زمان :

تاریخ لازم الاجرا شدن معاهدات غالباً در خود آنها قید می شود ولی در برخی اوقات معاهده در زمان مقرر به اجرا در نمی آید و برحسب مورد باطل، فسخ و یا معلق می شود.

الف- تاریخ اجرای معاهدات چنانچه تاریخ لازم الاجرا شدن در معاهده قید نشده باشد، اصل بر این است که به

محض اعلان رضایت همه دولت های مذاکره کننده، معاهده مزبور لازم الاجرا شود.

در مدت زمانی که یک معاهده هنوز لازم الاجرا نشده، برای دولت های عضو ایجاد حق و تکلیف نمی کند.

ب- اجرای موقت معاهده :

طبق ماده 25 کنوانسیون وین، یک معاهده یا قسمتی از آن در صورتی قبل از لازم الاجرا شدن موقتاً اجرا خواهد شد که :



1- معاهده خود چنین امری را مقرر کند

2- کشورهای مذاکره کننده به طریق دیگری در این مورد توافق کرده باشند.

نکته: معاهدات اصولاً عطف به ما سبق نمی شوند یعنی اثر آنها نسبت به آینده است و به گذشته تأثیر ندارند.

3- اجرای معاهدات بر حسب انواع آن:

الف- اجرای معاهدات دو جانبه :

1- چنانچه معاهدات دو جانبه از نوع ساده یا اجرایی باشد آن معاهدات اثر حقوقی خود را سریعاً پس از امضای دولتین ایجاد می کند.

2- چنانچه معاهدات دو جانبه از نوع رسمی باشند، اثر آنها موکول به تصویب مجلس قانون گذاری دو کشور است .  
ب- اجرای معاهدات چند جانبه:

اجرای اینگونه معاهدات اصولاً منوط به توافق کلید دولت هاست.

پ- اجرای معاهدات چند جانبه:

این معاهدات خود پیش بینی می کنند که تحت چه شرایطی لازم الاجرا می شوند.

بخش پنجم- تفسیر معاهدات

1- مراجع صلاحیتدار برای تفسیر:

مراجع صلاحیتدار برای تفسیر معاهدات عبارتند از:

1- مراجع بین المللی 2- مراجع داخلی

- مراجع صلاحیتدار بین المللی خود به سه دسته تقسیم می شوند:

1- مراجع دولتی (بین المللی)

2- مراجع حقوقی بین المللی

3- سازمان های بین المللی

الف- مراجع دولتی (بین المللی) :

تفسیر به وسیله دولتها به دو شکل صورت می گیرد : 1- تفسیر پیشگیرانه 2- تفسیر متعاقب یا در حین اجرای معاهده در حین اجرای معاهدات، دولتها به دو گونه آن را می توانند تفسیر کنند:

1- تفسیر صریح 2- تفسیر ضمنی

در تفسیر صریح، معاهدات به روشهای عادی دیپلماتیک و بدون نیاز به تدوین سند جدید در خصوص اختلافات حل و فصل می شوند.

در تفسیر ضمنی، اجرای معاهده مطابق نظرات دولت اجرا کننده است، به طوری که اعتراض طرف های دیگر معاهده را به دنبال نداشته باشد.

ب- مراجع حقوقی بین المللی:

این مراجع به دو دسته تقسیم می شوند: 1- مراجع داوری 2- مراجع قضایی

نکته: از آنجا که بیشتر اختلافات بین المللی مربوط به تفسیر معاهدات است، طبعاً مراجع حقوقی بین المللی صلاحیت رسیدگی به آنها را خواهند داشت.

دیوان بین المللی دادگستری که عالیترین مرجع قضایی بین المللی است در سه مورد صلاحیت تفسیر معاهدات را دارد می باشد:

الف- در مواردی که کشورهای طرف اختلاف شرط اختیاری قضاوت اجباری دیوان را پذیرفته و اعلامیه پذیرش را تسلیم دیوان کرده باشند.

ب- در مواردی که کشورهای متعاقد به موجب یکی از مواد معاهده، قضاوت اجباری دیوان را قبول کرده باشند.

ج- در مواردی که رأی دیوان به طور قطعی صادر شده، اما یکی از طرفین نسبت به معنی و شمول رأی معترض بوده، درخواست تفسیر آن را کند.

مراجع صلاحیتدار داخلی عبارتند از:

1- مراجع اجرایی 2- مراجع قانونگذاری 3- مراجع قضایی

- تفسیر معاهدات به وسیله مراجع اجرایی معمولاً به وسیله هیأت دولت، وزارت امور خارجه و یا مصوبات وزارتی صورت می گیرد.

دامنه شمول صلاحیت تفسیر قضایی از دو جهت محدود است: یکی به دعوی خاصی که قاضی می تواند برای مستندات حکم خود از معاهدات استفاده نماید و دیگر اینکه قضات ملی حق رسیدگی به دعاوی که مربوط نظم عمومی بین المللی است را ندارند و فقط صلاحیت رسیدگی به دعاوی خصوصی و دعاوی ناشی از اعمال تصدی دولت را دارند.

3- اصول ناظر بر تفسیر معاهدات:

عمده ترین اصول ناظر بر تفسیر معاهدات عبارتند از:

1- اصل حسن نیست

2- اصل آثار مفید

3- اصل ایجاد حداقل تعهدات

4- اصل تفسیر به نفع کشور برخوردار از وضعیت نامساعد

5- اصل عدم تفسیر عبارات واضح و روشن

4- روش های تفسیر معاهدات بین المللی:

تفسیر معاهدات اساساً به دو روش انجام می شود: 1- روش ذهنی 2- روش عینی علاوه بر روشهای اصلی، روشهای فرعی نیز در تفسیر معاهدات وجود دارند مانند تفسیر مضیق، روش قیاس، برهان خلف و ...

بخش ششم- اختتام معاهدات

معاهدات بین المللی در صورت تحقق موارد زیر خاتمه می یابند:

1- بطلان معاهدات 2- فسخ 3- تعلیق معاهدات 4- اصلاح و تجدید نظر در معاهدات

نکته: موجبات بطلان نسبی معاهدات به واسطه عیوب رضا فراهم می شود.

منظور از عیوب رضا، موجباتی است که رضایت کشورهای متعاقد را معلول ساخته بی اعتباری آنها را به همراه می آورد.

عیوب رضا عبارتند از: نقض حقوق داخلی؛ تجاوز نماینده کشور از حدود اختیارات خود، اشتباه، تقلب و ... نکته: بطلان قطعی م عاهدات به سبب عواملی است که بنیان حقوقی معاهده را متزلزل می سازد و با رضایت طرفین معاهده نیز قابل تأیید و تنفیذ نیست.

عواملی که باعث بطلان قطعی معاهدات می شوند عبارتند از:

عدم رعایت قواعد آمره، نابرابری معاهدات، اجبار بوسیله تهدید یا اعمال زور.

اسباب بطلان معاهدات عبارتند از:

1- نقض حقوق داخلی

2- تجاوز نماینده کشور از حدود اختیارات خود

3 - اشتباه

4- تقلب

5- تطمیع نماینده کشور

6- اجبار

7- عدم رعایت قواعد آمره بین المللی

8- عهدنامه های نابرابر در مناسبات بین کشورها

اعمال زور و اجبار می تواند به دو شکل پدیدار شود:

1- اجبار نماینده دولت 2- اجبار کشورها

2- فسخ معاهدات :

موجبات فسخ معاهدات را می توان به قرار زیر طبقه بندی کرد : اراده مشترک متعاهدین، اراده یک جانبه متعاهدین، تعارض تعهدات قراردادی، ایجاد قاعده آمره جدید، متروک ماندن معاهدات، جنگ و مناقشات مسلحانه الف- اراده مشترک:

خاتمه معاهدات بنا به اراده مشترک متعاهدین به چند صورت میسر می شود : تفاسخ، انقضای مدت معاهده، انجام

تعهدات قراردادی، انعقاد معاهده جدید، قید احتمالات در معاهدات، قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی

نکته: ساده ترین نوع اختتام م عاهده به وسیله ترازی متعاهدین صورت می گیرد

ب- لغو یک جانبه معاهده شرایطی که به موجب آن یکی از متعاهدین می تواند به طور یک جانبه معاهده را فسخ کند به قرار زیر است:

شرط قبلی و صریح در معاهده، جانشینی دولت ها در معاهدات، نقض اس اسی معاهده، قوه قاهره، تغییر بنیادین اوضاع و احوال

قوه قاهره یا فورس ماژور:

عبارت از مانع و حالت اجتناب ناپذیری است که در اوضاع و احوال خاص پدید می آید و ناشی از رویدادهای خارجی است.

### 3- تعلیق اجرای معاهدات:

ماده 57 کنوانسیون وین مقرر می دارد: در موارد زیر اجرای معاهده می تواند نسبت به کلیه طرفها یا یک طرف معین به حال تعلیق در آید

الف- برابر مقررات خود معاهده یا

ب- در هر زمان، با رضایت کلیه طرف های معاهده پس از مشورت با دیگر دولتهای متعاقد

### 4- اصلاح و جرح و تعدیل معاهدات:

اصلاح معاهده ممکن است با موافقت امضاء کنندگان معاهده صورت گیرد و نیز ممکن است از انعقاد معاهده ای مؤخر و یا بروز معیارهای جدید و قطعی در حقوق بین الملل منتج شود.

### فصل سوم- سایر منابع حقوق بین الملل

سایر منابع حقوق بین الملل عبارتند از:

1- اصول عمومی حقوق

2- رویه قضایی

3- دکترین یا آراء متبحرین حقوقدانان

4- عدالت و انصاف

اصل عدل و انصاف در دو حالت منبع حقوق است:

الف- در حالت بی کفایتی و نقض موضوعه موجود

ب- در حالت سکوت حقوق مزبور

دیوان بین المللی دادگستری با در نظر گرفتن دو شرط می تواند به اصل عدالت و انصاف توسل جوید:

الف- موافقت اصحاب دعوی

ب- اختیار دیوان در استفاده از این اصل

اعمال حقوقی یک جانبه:

حقوقدان فرانسوی پی ورولا اعمال یک جانبه را قرار زیر تعریف می کند : عمل یک جانبه به یک عمل حقوقی که

وضعیت های حقوقی جدیدی را ایجاد کرده و به سایر تابعین حقوق بین الملل قابل اعمال است، اطلاق می شود .

شارل روسو اعمال حقوقی یک جانبه را به پنج دسته تقسیم می کند:

1- اعمال در حکم شرط (اعلان)

2- اعمال موجد تکلیف (وعده و شناسایی)

3- اعمال مؤید حقوق (اعتراض)

4- اعمال مبتنی بر طرد حقوق (انصراف)

5- اعمال یک جانبه ضمنی (سکوت)

معمولاً اعمال به دو صورت می باشد:

اعلان اجباری و اعلان اختیاری

معمولاً انصراف می تواند به اشکال مختلف بیان شود:

1- به شکل یک عمل یک جانبه

2- در قالب یک رفتار مشخص و معلوم

3- به موجب تعهدات قرار دادی یک کشور

نمایان

**VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR**

دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin\_news@live.com